

بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و سطح خوش‌بینی والدین با میزان خوش‌بینی فرزندان نوجوان آنها^۱

زهرة قربانی^۲

دکتر محمود گلزاری^۳

تاریخ پذیرش: ۸/۸/۱۲

تاریخ داوری: ۸۷/۸/۲۵

تاریخ وصول: ۸۷/۶/۱۳

چکیده

خوش‌بینی یکی از ویژگی‌های شخصیتی است که نقش مهمی را در پیشگیری از افسردگی ایفا می‌کند. با توجه به شیوع بالای افسردگی در بین نوجوانان و با در نظر گرفتن نقش همه والدین در شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی فرزندان، این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و سطح خوش‌بینی والدین با میزان خوش‌بینی فرزندان نوجوان آنها انجام شده است. نمونه پژوهش شامل ۳۸۴ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تهران (۲۰۳ دختر و ۱۸۱ پسر) به همراه والدینشان در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ بودند که از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. آزمودنی‌ها نسخه تجدید نظر شده پرسشنامه جهت‌گیری زندگی (کارور و شیر، ۱۹۹۴) و فرم کوتاه شده پرسشنامه عوامل شخصیتی (مک کری و کاستا، ۱۹۹۲) را تکمیل کردند. نتایج نشان داد که بین سطح خوش‌بینی والدین و سطح خوش‌بینی فرزندان نوجوان آنها رابطه وجود دارد. همچنین یافته‌ها حاکی از آنند که میان برخی از ویژگی‌های شخصیتی والدین نظیر: برون‌گرایی پدر، روان‌آزرده‌خویی پدر، روان‌آزرده‌خویی مادر، سازگاری پدر، سازگاری مادر و مسئولیت‌پذیری پدر با خوش‌بینی فرزندان رابطه وجود دارد. در حالی که چنین رابطه‌ای میان برون‌گرایی مادر، پذیرا بودن مادر، پذیرا بودن پدر و مسئولیت‌پذیری مادر با خوش‌بینی فرزندان

۱- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشد

۲- کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

مشاهده نشد. از طرف دیگر بین میزان خوش بینی دانش آموزان دختر و پسر هم تفاوت معناداری به دست نیامد.

واژگان کلیدی: خوش بینی، ویژگی های شخصیتی، نوجوانی.

مقدمه

هنگامی که کودکان در آستانه نوجوانی قرار می گیرند نظر آنها نسبت به جهان ماهیتی قطعی پیدا می کند. در این هنگام آنها احتمالاً منفی باف، منفعل و درون گرا می شوند. با شروع روند معمول اما دردناک طرد شدگی ها و شکست های نوجوانی افسردگی به طرز غریبی در نوجوانان شیوع پیدا می کند. نزدیک به یک سوم نوجوانان سیزده ساله معاصر امریکایی دارای علائم واضح افسردگی هستند و در هنگام خاتمه دبیرستان، نزدیک به ۱۵ درصد آنان سابقه یک بار ابتلا به افسردگی عمده را داشته اند (سلیگمن، ۱۹۹۵). نتایج مطالعات پژوهشگران ایرانی نیز بر این دلالت دارند که تعداد زیادی از نوجوانان ایرانی از افسردگی رنج می برند (منیرپور و همکاران، ۱۳۸۳؛ شجاعی زاده و رصافیانی، ۱۳۸۰) از آنجایی که در حدود نیمی از افرادی که به افسردگی شدید مبتلا شده باشند، دگر بار دچار آن خواهند شد، نیمی از این نوجوانان علاوه بر از دست دادن سال های سختی که با از دست رفتن فرصت ها همراهند تا بیست سال دیگر را هم در حالت ابتلا به افسردگی سپری خواهند کرد (سلیگمن، ۱۹۹۵).

از آنجا که مطالعات متعدد نشان داده اند افسردگی یکی از عواقب اصلی فقدان خوش بینی است لزوم مطالعه در این باب نیز آشکار می شود. مفهوم خوش بینی به معنای یک انتظار کلی است دایر بر اینکه در آینده، بیشتر رویدادهای خوب اتفاق خواهند افتاد تا رویدادهای بد (شییر و کارور، ۱۹۸۵). این مفهوم در قرن ها خرد قومی و همچنین دسته ای از نظریات روان شناختی انگیزش (به نام نظریه های انتظار - ارزش) ریشه دارد (کارور، ۲۰۰۵). الگوهای انتظار - ارزش^۱ انگیزش با این فرض که رفتار، بر اساس پیگیری اهداف سازمان دهی

شده است، آغاز می‌شوند (شیر^۱ و کارور، ۱۹۹۸). اهداف، حالات، اعمال یا ارزش‌هایی هستند که افراد آنها را مطلوب یا نامطلوب می‌بینند. افراد تلاش می‌کنند رفتارشان را با آنچه مطلوب می‌بینند متناسب سازند و از آنچه نامطلوب به نظر می‌رسد دوری کنند. مهمترین هدف برای شخص، بیشترین ارزش را در انگیزش فرد دارد. براساس این جهت‌گیری نظری، تا زمانی که یک هدف ارزشمند وجود نداشته باشد، رفتاری رخ نمی‌دهد. انتظار مفهوم اصلی دیگری است که در این نظریات مطرح شده است. این مفهوم به معنای احساس اطمینان یا تردید درباره قابلیت حصول هدف ارزشمند است. اگر فرد نسبت به نتیجه عمل خود اطمینان نداشته باشد نیز رفتاری به وقوع نمی‌پیوندد. فرد تنها زمانی که اطمینان کافی داشته باشد به سمت عمل پیش می‌رود و تلاشش را ادامه می‌دهد. این نظریه طیف وسیعی از اهداف (از اهداف کلی تا اهداف خاص) را در بر می‌گیرد (اسنایدر و لویز، ۲۰۰۲).

بر مبنای این اصول کلی فرضیاتی درباره تأثیرات خوش‌بینی و بدبینی بر سلامت روانی و جسمانی افراد مطرح شده و به منظور آزمودن این فرضیات پژوهش‌هایی صورت گرفته است. نتایج این تحقیقات نشان داده‌اند که عملکرد افراد بدبین حداقل در سه جنبه از عملکرد افراد خوش‌بین ضعیف‌تر است: آنها به مراتب بیشتر دچار افسردگی می‌شوند. آنها در مدرسه، در شغل، و در زمین ورزش به میزانی کمتر از آنچه از استعدادهای آنها انتظار می‌رود، پیشرفت می‌کنند و سلامت جسمانی آنان در مقایسه با افراد خوش‌بین، ضعیف‌تر است. اتخاذ دیدگاه بدبینانه، به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان، مخرب است. زیرا در صورتی که فرزندانمان به این دیدگاه معتقد باشند، در معرض این خطر قرار دارند که در تحصیل خود چنان‌که باید، به موفقیت دست نیابند. آنها در معرض افسردگی و اضطراب بیشتری قرار می‌گیرند و احتمال دارد که در مقایسه با نوجوانان خوش‌بین، وضعیت جسمانی نامناسب‌تری پیدا کنند. و از این ناخوشایندتر اینکه، بدبینی در نوجوانان می‌تواند به صورت الگویی در نگرش آنها نسبت به پیشرفت‌ها در بیاید که همواره در سرتاسر زندگی آنها تداوم می‌یابد (سلیگمن، ۱۹۵۵).

خوشبختانه بدینی فرزندان ما ذاتی نیست، بنابراین می‌توان شرایطی فراهم کرد که در آنان بدینی شکل نگیرد و در صورت وجود داشتن هم به خوش‌بینی تغییر یابد. می‌دانیم که کودکان از حس تقلید حیرت‌آوری برخوردار هستند و با سرعت و دقت حرکات بزرگترها را تقلید می‌کنند. قدرت‌سازی آنها با محیط بسیار زیاد است و به همین علت کودکانی که در محیطی سرشار از یأس و بدینی رشد می‌یابند، بی‌آنکه خود بخواهند خصوصیات اخلاقی اطرافیان خود را فرا می‌گیرند و بی‌آنکه خصلتی را تجربه کرده باشند، آن را در درون خود می‌یابند (باربارن، ۱۳۷۴).

از این روشناسایی خصوصیات شخصیتی والدین و چگونگی ارتباط این ویژگی‌ها با خوش‌بینی نوجوانان اهمیت می‌یابد، زیرا با شناسایی این عوامل می‌توان خانواده‌های در معرض خطر را شناسایی کرد و به منظور ارتقاء و بهبود تعاملات خانوادگی و رابطه والد-فرزند برنامه‌های آموزشی خاصی ترتیب داد و از به وجود آمدن بدینی و اثرات جانبی آن در نوجوانان ممانعت به عمل آورد. نتایج پژوهش‌های متعدد نشان داده‌است که برخی از ویژگی‌های شخصیتی والدین بر میزان خوش‌بینی فرزندان آنها تأثیر می‌گذارند. لیندزی (۲۰۰۱) در پژوهشی همبسته‌های اجتماعی خوش‌بینی کودکان آمریکایی را مورد مطالعه قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد که میان خوش‌بینی مادر و کودک رابطه مثبت معناداری وجود دارد، اما میان خوش‌بینی پدر و کودک چنین رابطه‌ای دیده نشد. در یک پژوهش حسن و پاور (۲۰۰۰) رابطه میان انتظارات تعمیم‌یافته مادر، شیوه فرزندپروری، خوش‌بینی و بدینی و نشانه‌های افسردگی را در نمونه‌ای آمریکایی تحت مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که خوش‌بینی کودک با خوش‌بینی مادر همبستگی مثبت دارد، همچنین وجود علائم افسردگی در مادر با خوش‌بینی کودک همبستگی منفی داشت. در یک پژوهش بن-زور (۲۰۰۳) به بررسی عوامل خانوادگی و فردی مؤثر بر بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان اسرائیلی پرداخت. در این پژوهش رابطه معناداری میان خوش‌بینی والدین و فرزندان دیده نشد. هیله، بوش و وارن (۱۹۹۶) به بررسی رابطه دو سازه‌شناختی شخصیت (سبک اسناد و خوش‌بینی سرشتی) فرزندان با رفتار والدین آمریکایی پرداختند. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، خوش‌بینی با گرم‌بودن و پذیرش والدین همبستگی مثبت و با خشم،

خصوصیت، غفلت، طرد کردن و بی تفاوتی والدین در دوران نوجوانی فرزندشان رابطه منفی داشت. هاینونن (۲۰۰۴) نیز در مطالعه‌ای طولی به بررسی همبسته‌های رشدی خوش‌بینی در نمونه‌ای از کودکان فنلاندی پرداخته‌است. نتایج این پژوهش نشان دادند که خلق مشکل کودک و شیوه فرزندپروری استبدادی والدین بنیادهای تحولی مهمی برای بدبینی در دوران بزرگسالی محسوب می‌شوند. همچنین دلبستگی ناایمن در دوران کودکی با سطح بالای بدبینی در دوران نوجوانی رابطه دارد. ذکر این نکته ضروری است که پژوهشگران در بررسی‌های خود نتوانستند به تحقیق مشابهی در ایران دست یابند.

از آنجا که بدبینی عادت ذهنی ریشه‌داری است که عواقبی گسترده و مصیبت بار نظیر: خلق گرفته، کناره‌گیری، بی‌کفایتی عملکرد و حتی عوارض جسمانی خلاف انتظار دارد (سلیگمن، ۱۹۹۸) و با توجه به اینکه کشور ما ایران در اوج همه‌گیری بدبینی و مهمترین عارضه آن، یعنی افسردگی قرار دارد، انجام پژوهش‌هایی در این راستا لازم و ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر در نظر دارد بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و سطح خوش‌بینی والدین با میزان خوش‌بینی فرزندان نوجوان آنها پرداخته و به این سؤالات پاسخ دهد که: ۱. آیا بین سطح خوش‌بینی والدین و سطح خوش‌بینی فرزندان نوجوان آنها رابطه‌ای وجود دارد؟ ۲. آیا بین ویژگی‌های شخصیتی والدین و سطح خوش‌بینی فرزندان نوجوان آنها رابطه‌ای وجود دارد؟

روش

روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. در این پژوهش جامعه آماری عبارت است از: ۲۹۸۶۹۲ آموز دختر و پسر دانش آموز در دبیرستان‌های شهرستان تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶. نمونه مورد بررسی ما در این پژوهش شامل ۲۰۳ دانش آموز دختر و ۱۸۱ دانش آموز پسر دبیرستان‌های شهرستان‌های تهران به همراه والدینشان بوده است. تعداد افراد نمونه به وسیله جدول مورگان که برای جامعه‌های بزرگتر از ۱۰۰/۰۰۰ نفر، نمونه‌ای با حجم ۳۸۴ نفر را پیشنهاد نموده، انتخاب شده است. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. ابتدا در هر یک از نواحی (شمال، جنوب،

شرق، غرب و مرکز) شهر تهران، یک منطقه (منطقه ۱ شمال، منطقه ۱۸ جنوب، منطقه ۱۳ شرق، منطقه ۵ غرب و منطقه ۶ مرکز تهران) به طور تصادفی انتخاب شد. سپس در هر یک از این مناطق یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه و از بین کلاس‌های هر دبیرستان دو کلاس از پایه اول، دوم و یا سوم به صورت تصادفی انتخاب گردید.

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسشنامه استفاده شده است:

الف: نسخه تجدیدنظر شده پرسشنامه جهت‌گیری زندگی (LOT-R): نسخه تجدیدنظر شده پرسشنامه جهت‌گیری زندگی آزمونی ۱۰ ماده‌ای است که برای سنجش خوش‌بینی به کار می‌رود. آزمون LOT-R از نسخه اصلی کوتاه‌تر است (۶ ماده نمره‌گذاری شده، ۳ ماده بیانگر خوش‌بینی و ۳ ماده بیانگر بدبینی و ۴ ماده انحرافی). در این پرسشنامه ماده‌هایی از نسخه اصلی که به‌طور مستقیم بر انتظارات تأکید نداشتند، حذف شده‌اند. این آزمون یک ابزار خودگزارشی است و در آن از آزمودنی خواسته می‌شود تا به سؤالات پرسشنامه پاسخ دهد. طیف گزینه‌ها از عبارت کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم را در بر می‌گیرد (هاینونن، ۲۰۰۴). این آزمون در سال ۱۳۸۳، توسط خدابخشی در ایران هنجاریابی شده است.

پژوهش‌های مکرر نشان داده‌اند که خوش‌بینی^۱ و بدبینی سرشتی^۲ (هم پرسشنامه LOT و هم پرسشنامه LOT-R) با طیف گسترده‌ای از سازه‌های مرتبط مانند عزت‌نفس، ناامیدی و روان‌آزرده‌خویی (برای مثال: فانتانی و جونز، ۱۹۹۷؛ شیر و کارور، ۱۹۸۵؛ شیر و همکاران، ۱۹۹۴) رابطه دارند که این مطلب بیانگر اعتبار همگرایی این پرسشنامه است. به علاوه، تحلیل عاملی خوش‌بینی سرشتی و سازه‌های مرتبط با آن نشان داده‌است که خوش‌بینی سرشتی یک عامل مستقل و مجزا است (شیر و کارور، ۱۹۸۵؛ شیر و همکاران، ۱۹۹۴)، که این مطلب نشان‌دهنده اعتبار افتراقی این سازه است. ضریب پایایی این پرسشنامه نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمده‌است که نشان‌دهنده پایایی بالای آزمون است.

ب: پرسشنامه عوامل شخصیتی (NEO-FFI): برای سنجش ویژگی‌های شخصیتی والدین از آزمون پنج‌عاملی NEO-FFI استفاده شده است. این آزمون دارای ۶۰ گویه بوده و در واقع فرم کوتاه پرسشنامه پنج‌عاملی NEO-PI-R است. این پرسشنامه پنج‌عامل اصلی شخصیت (روان‌آزرده‌خویی^۱، برون‌گرایی^۲، پذیرابودن^۳، سازگاری^۴ و مسئولیت‌پذیری^۵) و شش‌مقیاس را در هر عامل اندازه می‌گیرد. این دو جنبه تست یعنی پنج عامل اصلی و ۳۰ زیرمقیاس آن ارزیابی جامعی از شخصیت بزرگسال ارائه می‌دهد. در پرسشنامه NEO-FFI برای هر عامل ۱۲ عبارت در نظر گرفته شده است که معرف آن عامل به شمار می‌رود و آزمودنی‌ها به این عبارات از گزینه کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم پاسخ می‌دهند. در این آزمون انتظار بر اینست که تمام سؤالات پاسخ داده شود و در مواردی که آزمودنی نتواند تصمیم بگیرد که به سؤالی خاص چه پاسخ دهد یا این که مفهوم یک سؤال برای آزمودنی مشخص نباشد، می‌تواند از پاسخ «نظری ندارم» استفاده کند. این آزمون یکی از جدیدترین پرسشنامه‌های شخصیت است که در آن هم از تحلیل عاملی و هم از راهبرد نظری برای تهیه سؤالات و ساخت مقیاس استفاده شده است (کیامهر، ۱۳۸۱).

اعتبار آزمون NEO-FFI از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. اعتبار محتوا با این مفهوم بیان شده که برای هر عامل ۶ صفت فرعی در نظر گرفته شده است و هر صفت با سؤالات خاص خود ارزیابی می‌شود، اعتبار ملاک یا اعتبار بیرونی آزمون به وسیله مقایسه عملکرد فرد در آزمون با یک ملاک، ارزیابی شده است. به عنوان مثال انتظار می‌رود که بیماران روانی در روان‌آزرده‌خویی نمره بالایی بگیرند (شال^۶ و میلر^۷، ۱۹۹۱؛ به نقل از گروسی‌فرشی، ۱۳۸۰) و یا معتادین در سازگاری و مسئولیت‌پذیری نمرات کمی کسب کنند (بوفر^۸ و همکاران، ۱۹۹۱؛ به نقل از گروسی‌فرشی، ۱۳۸۰). برای به دست

1. Neuroticism
2. Extraversion
3. Openness
4. Agreeableness
5. Conscientiousness
6. Schall
7. Miller
8. Ruffalo

آوردن بایابی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است، بدین منظور مقدار بایابی هر یک از مقیاس‌های پرسشنامه عوامل شخصیتی به دست آمده است. پس از انجام محاسبات برای عوامل روان‌آزرده‌خویی، برون‌گرایی، پذیرابودن، سازگاری و مسئولیت‌پذیری به ترتیب مقادیر ۰/۷۸، ۰/۷۲، ۰/۶۸، ۰/۶۹، ۰/۸۸ به دست آمد.

بعد از انتخاب گروه نمونه، پرسشنامه بین دانش‌آموزان و والدین آنها توزیع گردید و پس از تکمیل با استفاده از نرم افزار SPSS به کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها اقدام شد. روش آماری شامل ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون گام به گام و آزمون t گروه‌های مستقل بود.

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱. خوش‌بینی فرزند													
۲. خوش‌بینی مادر	۰/۳۹												
۳. خوش‌بینی پدر	۰/۳۲	۰/۲۶											
۴. روان-آزرده‌خویی مادر	۰/۱۵	۰/۳۳	-۰/۱۳										
۵. برون‌گرایی مادر	۰/۱۳	۰/۲۸	۰/۱۴	-۰/۳۳									
۶. پذیرابودن مادر	-۰/۰۵	۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۲۴								
۷. سازگاری مادر	۰/۱۵	۰/۳۴	-۰/۱۲	-۰/۲۹	-۰/۴۱	۰/۲۹							
۸. مسئولیت-پذیری مادر	۰/۰۷	۰/۲۷	۰/۱۴	-۰/۲۸	۰/۴۲	۰/۱۸	۰/۵۵						
۹. روان‌آزرده‌خویی پدر	-۰/۱۹	-۰/۱۸	-۰/۳۹	۰/۲۵	-۰/۱۶	۰/۰۳	-۰/۱۷	۰/۵۵					
۱۰. برون‌گرایی پدر	۰/۱۴	۰/۱۱	۰/۳۰	-۰/۰۶	۰/۲۲	۰/۰۶	۰/۲۰	۰/۴۰					
۱۱. پذیرابودن پدر	-۰/۰۵	-۰/۰۵	-۰/۰۰	۰/۱۳	۰/۰۴	۰/۰۹	۰/۲۷	۰/۰۵	۰/۲۳				
۱۲. سازگاری پدر	۰/۱۷	۰/۱۴	۰/۳۳	-۰/۰۷	۰/۲۴	۰/۱۰	۰/۲۸	-۰/۲۹	۰/۴۲	۰/۱۸			
۱۳. مسئولیت-پذیری پدر	۰/۱۵	۰/۰۸	۰/۲۸	-۰/۰۷	۰/۱۹	۰/۰۱	۰/۲۰	۰/۳۲	-۰/۴۳	۰/۵۱	۰/۱۵	۰/۵۴	

۰/۰۱ p<***

۰/۰۵ p<*

در جدول شماره ۱ ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است. همان‌طور که در این جدول ملاحظه می‌شود بین سطح خوش‌بینی فرزند با خوش‌بینی مادر ($p < ۰/۰۱$) و خوش‌بینی پدر ($r(۳۸۴) = ۰/۳۹$)، برون‌گرایی پدر ($p < ۰/۰۱$)،

و $r(384) = 0/14$ ، سازگاری مادر ($p < 0/01$) و $r(384) = 0/15$ ، سازگاری پدر ($p < 0/01$) و $r(384) = 0/16$ و مسئولیت‌پذیری پدر ($p < 0/01$) و $r(384) = 0/14$ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین مطابق جدول فوق بین سطح خوش‌بینی فرزندان، روان‌آزرد، خوبی‌مادر ($p < 0/01$) و $r(384) = -0/15$ و روان‌آزرد خوبی‌مادر ($p < 0/01$) و $r(384) = 0/19$ رابطه منفی معناداری به دست آمده است. بدین معنی که هر قدر میزان روان‌آزرد خوبی‌مادر والدین بیشتر باشد سطح خوش‌بینی فرزندان کمتر است و بالعکس. از طرف دیگر براساس این جدول بین سطح خوش‌بینی فرزندان و برون‌گرایی مادر ($p > 0/05$) و $r(384) = 0/03$ ، پذیرا بودن مادر ($p > 0/05$) و $r(384) = -0/5$ ، پذیرا بودن پدر ($p > 0/05$) و $r(384) = -0/5$ و مسئولیت‌پذیری مادر رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی خوش‌بینی فرزندان با ویژگی‌های شخصیتی و سطح خوش‌بینی والدین

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. خوش‌بینی فرزند	۱						
۲. خوش‌بینی والدین	** 0/301	۱					
۳. روان‌آزرد خوبی والدین	0/52 0/193	**	۱				
۴. برون‌گرایی والدین	** 0/219	** 0/297	0/60	۱			
۵. پذیرا بودن والدین	0/076 0/222	** 0/222	* 0/150	** 0/234	۱		
۶. سازگاری والدین	0/043 0/246	** 0/246	** 0/362	** 0/185	** 0/225	۱	
۷. مسئولیت پذیری والدین	0/084 0/367	** 0/367	** 0/205	** 0/449	** 0/282	** 0/282	۱

** $p < 0/01$

* $p < 0/5$

در جدول ۲ ماتریس همبستگی خوشبینی فرزندان با ویژگی‌های شخصیتی و سطح خوشبینی والدین ارائه شده است. بر اساس این جدول بین سطح خوشبینی فرزند با سطح خوشبینی والدین $p < 0/01$ و $r(384) = 0/301$ و برون‌گرایی والدین $p < 0/01$ و $r(384) = 0/219$ همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود بین سطح خوشبینی فرزند با روان‌آزرده‌خویی والدین $p < 0/01$ و $r(384) = 0/52$ پذیرابودن والدین $p < 0/01$ و $r(384) = 0/076$ ، سازگاری والدین $p < 0/01$ و $r(384) = 0/043$ و مسئولیت‌پذیری والدین $p < 0/01$ و $r(384) = 0/072$ رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۳. نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی خوشبینی فرزند از طریق خوشبینی مادر و پدر

گام	متغیر پیش‌بین	B	β	R	R^2
۱	خوش‌بینی مادر	۰/۴۰	۰/۳۹	۰/۳۹	۰/۱۵
۲	خوش‌بینی مادر	۰/۳۴	۰/۳۳	۰/۴۵	۰/۲۰
	خوش‌بینی پدر	۰/۲۶	۰/۲۳		

برای بررسی این مطلب که آیا می‌توان از طریق خوش‌بینی والدین، خوش‌بینی فرزندان را پیش‌بینی کرد، از روش تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در گام اول خوش‌بینی مادر وارد معادله رگرسیون شده است. این متغیر به تنهایی ۱۵ درصد از واریانس خوش‌بینی فرزند را تبیین می‌کند. در گام دوم خوش‌بینی پدر وارد معادله شده است. با افزوده شدن متغیر خوش‌بینی پدر، این میزان به ۲۰ درصد می‌رسد. به عبارت دیگر می‌توان گفت متغیر خوش‌بینی پدر به تنهایی ۵ درصد از تغییرات را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۴. نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی خوش‌بینی فرزندان از طریق روان‌آزرده‌خویی پدر و سازگاری مادر

گام	متغیر پیش‌بین	B	β	R	R^2
۱	روان‌آزرده‌خویی پدر	-۰/۹	-۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۰۴
۲	روان‌آزرده‌خویی پدر	-۰/۸	-۰/۱۷	۰/۲۲	۰/۰۵
	سازگاری مادر	۰/۰۷	۰/۱۲		

برای بررسی این مطلب که آیا می توان از طریق ویژگی های شخصیتی والدین، خوش بینی فرزندان را پیش بینی کرد، از روش تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. مطابق جدول ۴ در گام اول روان آزرده خوئی پدر وارد معادله رگرسیون شده است. این متغیر به تنهایی ۴ درصد از واریانس خوش بینی فرزند را تبیین می کند. در گام دوم سازگاری مادر وارد معادله شده است. با افزوده شدن متغیر سازگاری مادر، این میزان به ۵ درصد می رسد. به عبارت دیگر متغیر سازگاری مادر به تنهایی فقط ۱ درصد از تغییرات را پیش بینی می کند. از آنجایی که هشت متغیر دیگر مربوط به عوامل شخصیتی والدین نقشی در پیش بینی خوش بینی فرزندان نداشته اند، وارد معادله نشده اند.

جدول ۵ آزمون t نمونه های مستقل، برای مقایسه سطح خوش بینی دانش آموزان دختر و پسر

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری
دختر	۲۰۳	۱۴/۲۶	۳/۷۱۲	۰/۳۶۷	۳۸۲	۰/۷۱۵
پسر	۱۸۱	۱۴/۹۹	۳/۳۷۱			

به منظور مقایسه سطح خوش بینی دانش آموزان دختر و پسر از آزمون t برای نمونه های مستقل استفاده شد. این آزمون نشان می دهد که ضریب t برابر با ۰/۳۶۷ و سطح معناداری ۰/۷۱۵ است. بنابراین می توان گفت تفاوت مشاهده در میانگین سطح خوش بینی دانش آموزان دختر و پسر معنادار نیست.

بحث و نتیجه گیری

این مطالعه باهدف بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی و سطح خوش بینی والدین با میزان خوش بینی فرزندان نوجوان آنها انجام شد. یافته ها نشان دادند که همبستگی مثبت معناداری میان خوش بینی مادر و خوش بینی فرزند وجود دارد. این رابطه می تواند نشان دهنده توارث پذیری خصیصه خوش بینی باشد، از طرف دیگر ممکن است مادران خوش بین واجد ویژگی های شخصیتی خاصی بوده و شیوه های فرزند پروری ویژه ای را اتخاذ کنند که رشد خوش بینی در فرزندان شان را میسر سازد. نتایج پژوهش ما با نتایج پژوهش های لیندزی (۲۰۰۰) و حسن

و پاور (۲۰۰۲) مطابقت دارد. از طرف دیگر، نتایج پژوهش ما با نتایج پژوهش‌های بروین و همکاران (۱۹۹۶) و بن-زور (۲۰۰۳)، مغایرت دارد. زیرا در این دو پژوهش رابطه‌ای میان خوش‌بینی والدین و خوش‌بینی فرزندان دیده نشده‌است. ممکن است مغایرت نتایج این پژوهش‌ها ناشی از تفاوت‌های فرهنگی باشد. همچنین یافته‌های پژوهش حاکی از آنند که میان خوش‌بینی‌پدران و خوش‌بینی‌فرزندان نوجوان آنها رابطه مثبت معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش با نتیجه پژوهش‌های لیندزی (۲۰۰۰)، بروین (۱۹۹۶) و بن-زور (۲۰۰۳) مطابقت ندارد. زیرا در هیچ‌کدام از این سه پژوهش رابطه‌ای میان خوش‌بینی پدر و خوش‌بینی فرزندان مشاهده نشده‌است. همان‌طور که در سطور بالا ذکر شد مغایرت نتایج ممکن است ناشی از تفاوت‌های فرهنگی باشد. از طرف دیگر نتایج پژوهش حاضر امکان توارث‌پذیر بودن خوش‌بینی را تأیید می‌کند، در صورتی که نتایج سه پژوهش ذکر شده با این فرضیه که خوش‌بینی ریشه وراثتی دارد، همسو نیستند.

پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که میان برون‌گرایی و خوش‌بینی رابطه مثبت نیرومندی وجود دارد (کریستین، برادر و باندورانت، ۲۰۰۳). بنابراین انتظار می‌رفت که میان برون‌گرایی‌مادران و سطح خوش‌بینی فرزندان نیز رابطه معناداری وجود داشته باشد، اما نتایج پژوهش رابطه بین برون‌گرایی‌مادر و خوش‌بینی فرزند نشان نمی‌دهد. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش هیله، بوش و وارن (۱۹۹۶) که حاکی از رابطه معنادار میان برون‌گرایی‌مادر و خوش‌بینی فرزند بوده است، همخوانی ندارد. وجود تفاوت‌های فرهنگی در زمینه اشتغال زنان، فعالیت‌های اجتماعی آنان و ارزش‌های زندگی خانوادگی می‌تواند از دلایل عدم تشابه نتایج این دو پژوهش باشد. از طرف دیگر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که میان برون‌گرایی‌پدران و سطح خوش‌بینی فرزندان نوجوان آنها رابطه مثبت معناداری وجود دارد. زیر مقیاس‌های برون‌گرایی (گرمی، گروه‌گرایی، قاطع‌بودن، فعالیت، هیجان‌خواهی و داشتن هیجان‌ات‌مثبت) ویژگی‌هایی هستند که در جامعه ما برای مردان مطلوب‌تر به شمار می‌روند. افراد برون‌گرا سطح هیجان‌خواهی بالایی دارند و برآند که به موفقیت درآینده امیدوار باشند. فرزندان پدران برون‌گرا خطر کردن و امیدواربودن پدران خود را مشاهده می‌کنند و از آنها سرمشق می‌گیرند. احتمالاً پدران برون‌گرا زمانی که

فرزندانشان شکست می‌خورند، آنها را حمایت کرده و به ادامه‌دادن مسیر تشویق می‌کنند، این کار سبب به وجود نیامدن سبک تبیین بدبینانه در فرزندان آنها می‌شود. نتایج حاصل از این پژوهش با یافته‌های پژوهش هیله، بوش و وارن (۱۹۹۶) همخوانی دارد. از آنجایی که روان‌آزرده‌خویی یک ویژگی شخصیتی نامطلوب محسوب می‌شود انتظار می‌رود که با خوش‌بینی رابطه منفی داشته باشد. نتایج پژوهش‌های گوناگون نیز این فرضیه را تأیید کرده‌اند (کریستین، برادر و باندورانت، ۲۰۰۳). اما تاکنون پژوهشی که به بررسی رابطه میان روان‌آزرده‌خویی مادر و سطح خوش‌بینی فرزند پرداخته باشد، انجام نشده است. تنها در چند پژوهش رابطه یکی از زیر مقیاس‌های روان‌آزرده‌خویی با خوش‌بینی فرزندان تحت مطالعه قرار گرفته است. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که میان روان‌آزرده‌خویی مادران و سطح خوش‌بینی فرزندان نوجوان آنها رابطه منفی معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش حسن و پاور (۲۰۰۲) نشان داده است که میان افسردگی (یکی از زیر مقیاس‌های روان‌آزرده‌خویی) والدین و خوش‌بینی فرزند همبستگی منفی وجود دارد. نتایج بررسی طولی هاینونن (۲۰۰۴) نیز نشان داد که خشم (یکی دیگر از زیرمقیاس‌های روان‌آزرده‌خویی) والدین در دوران خردسالی فرزند، بدبینی او را در دوران بزرگسالی پیش‌بینی می‌کند. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های حاصل از این دو تحقیق همخوانی دارد. همچنین یافته‌های پژوهش هیله، بوش و وارن (۱۹۹۶) بر این دلالت دارند که میان خشم و خصومت والدین با خوش‌بینی فرزندان نوجوان آنها رابطه منفی وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج این سه تحقیق همخوانی دارد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داده‌اند که رابطه بین پذیرا بودن والدین و سطح خوش‌بینی فرزندان نوجوان آنها معنادار نیست. در توصیف ویژگی‌های افراد پذیرا گفته شده است که این افراد بیشتر و عمیق‌تر از افراد غیرمعطف هیجان‌های مثبت و منفی را تجربه می‌کنند. بنابراین ممکن است والدین پذیرا در هنگام مواجهه با مشکلات، هیجان‌ات منفی نیرومندی را تجربه کنند و پاسخ‌های نامناسبی ارائه دهند. فرزندان نیز از آنها سرمشق گرفته و تفکر بدبینانه را در خود پرورش می‌دهند. از طرف دیگر، از آنجایی که والدین پذیرا، تنوع طلب

هستند، احتمالاً مشغله‌های مختلفی داشته و وقت‌زیادی را با فرزندان خود صرف نمی‌کنند تا فرزندان آنها را الگو قرار داده و از آنها تأثیر بپذیرند.

یافته‌های پژوهش حاکی از آنست که بین سازگاری والدین و سطح خوش‌بینی فرزندان نوجوان آنها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. سلیگمن (۱۹۹۸) و گیلهام^۱ (۲۰۰۰) اظهار کرده‌اند که خوش‌بینی با سازگاری شغلی و خانوادگی همراه است (کار، ۲۰۰۴). اگر سازگاری یکی از پیامدهای خوش‌بینی باشد، نتیجه می‌گیریم که والدین سازگار حتماً خوش‌بین نیز هستند. ممکن است خوش‌بینی والدین سازگار از طریق وراثت به فرزندان منتقل شود، همچنین این والدین الگوی مناسبی برای سبک تفکر خوش‌بینانه به فرزندان خود ارائه می‌دهند.

در این پژوهش مشاهده شد که رابطه میان مسئولیت‌پذیری مادران و سطح خوش‌بینی فرزندان نوجوان آنها معنادار نیست. افراد دارای نمره بالا در مقیاس مسئولیت‌پذیری افرادی دقیق، وسواسی، وقت‌شناس و خویشتن‌دار هستند (گروسی‌فرشی، ۱۳۸۰). از آنجایی که نوجوانی دوران استقلال‌طلبی است، احتمال دارد نوجوانان خصیصه مسئولیت‌پذیری مادر را ویژگی منفی و مزاحمی بدانند که مخل آزادی و استقلال آنان است. در این صورت وجود این خصیصه در مادر باعث ایجاد احساسات و هیجانات منفی از جمله بدبینی در فرزندان می‌شود. از طرف دیگر میان مسئولیت‌پذیری پدران و سطح خوش‌بینی فرزندان نوجوان آنها رابطه مثبت معناداری مشاهده شد. وجود این رابطه می‌تواند به این دلیل باشد که احتمالاً این پدران فرزندان خود را برای نیل به اهدافشان تشویق کرده و اگر فرزندان در کاری شکست خورد او را حمایت و به برنامه‌ریزی مجدد تشویق می‌کنند. حمایت و تشویق پدر ترس از شکست را در فرزندان کاهش می‌دهد و آنها را قادر می‌سازد با قبول خطر، استعدادها و علایق خود را بیابند و آنها را دنبال کنند. در این حالت موفقیت و اعتماد به نفس در فرزند ایجاد می‌شود و انتظار موفقیت‌های بعدی نیز در او شکل می‌گیرد.

جنبه‌ی یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده برخی خصوصیات شخصیتی است. به طوری، که بعضی صفات شخصیتی مانند میل به قدرت و خشونت بیشتر در مردان و بعضی صفات

نظیر همدلی و ایثار در زنان بیشتر دیده می‌شود. اما تحقیقات متعدد نشان داده‌اند که خوش‌بینی صفتی وابسته به جنسیت نیست. یعنی میزان خوش‌بینی زنان و مردان با هم تفاوت معناداری ندارد. یافته‌های حاصل از این پژوهش نیز نشان داده‌است که تفاوت معناداری بین میانگین نمرات دانش‌آموزان دختر و پسر وجود ندارد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های خارجی (بن- زور ۲۰۰۳؛ هیله، بوش و وارن، ۱۹۹۶ و هاینونن، ۲۰۰۴) و پژوهش‌های داخلی (شهابی، ۱۳۸۵؛ امیرخالدی، ۱۳۸۵) که همگی بر عدم وجود رابطه معنادار میان خوش‌بینی و جنسیت دلالت دارند، مطابقت دارد. با توجه به اینکه نتایج پژوهش نشان داده‌اند، خوش‌بینی والدین و ویژگی‌های شخصیتی آنان، تنها تا حدودی خوش‌بینی فرزندان را پیش‌بینی می‌کند، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، دیگر عوامل مرتبط با خوش‌بینی نوجوانان مورد بررسی قرار گیرند تا در صورت لزوم بتوان از طریق دستکاری این عوامل میزان خوش‌بینی نوجوانان را افزایش داد. همچنین ایجاد کارگاه‌های آموزشی برای والدین جهت رشد و پرورش خوش‌بینی در فرزندان مفید به نظر می‌رسد.

منابع

- امیر خالدی، هاله. (۱۳۸۲). *هنجاریابی آزمون سبک تبیین خوش‌بینانه، بدبینانه پترسون و سلیگمن*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
- باربارن، ژرژ. (۱۳۷۴). *خوش‌بینی / ترس (ترجمه هوشیار رزم آزما)*. تهران: انتشارات سپنج.
- سلیگمن، مارتین ای. پی. (۱۳۷۹). *کودک مثبت‌گرا (ترجمه ناهید ایران‌نژاد)*. تهران: نشر دایره (انتشار به زبان اصلی: ۱۹۹۵).
- سلیگمن، مارتین ای پی. (۱۳۸۳). *کودک خوشبین (ترجمه فروزنده داورپناه)*. تهران: انتشارات رشد.
- شجاعی زاده، داود؛ رصافیانی، رضا (۱۳۸۰). *بررسی میزان شیوع افسردگی و عوامل موثر بر آن در دانش‌آموزان پسر مقطع پیش دانشگاهی شهر کازرون در سال تحصیلی ۱۳۷۹-۸۰*. فصلنامه پژوهشی توانبخشی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، شماره ششم و هفتم، ص ۳۲-۲۹.

شهابی، زیبا. (۱۳۸۵). بررسی رابطه تیپ‌های شخصیتی *B* و *A* و خوش‌بینی، بدبینی در کارمندان ادارات دولتی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا، تهران.
 کیامهر، جواد. (۱۳۸۱). هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی نوین (*NEO-FFI*) و بررسی ساختار عاملی آن (تحلیل تأییدی) در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۸۰). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت) تبریز: انتشارات دانیال.

منیرپور، نادر؛ یزدان دوست، رخساره؛ دلاور، علی؛ عاطف وحید، محمدکاظم؛ خوشفی، هلن (۱۳۸۳). ارتباط ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با میزان شیوع افسردگی در دانش‌آموزان دبیرستانی. فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره چهاردهم، ص ۲۰۴-۱۸۹.

- Ben-zur, H.(2003). Happy adolescent: The link between subjective well-being, internal resources and parental factors. *Journal of Youth and Adolescence*,32,67-79.
- Carr,A. (2004). *Positive psychology*. New York: Brunner-Routledge Inc.
- Carver,C.S.(2005).Optimism. Available at: <http://www.docps.ncbi.nlm.nih.gov/brp/constructs/dispositional-optimism.pdf>.
- Christian,J.D.,Brawder,S.&Bandorant,B.(2003).Optimism and relations to Personality Demensions.available at:www.lyon.edu/webdata/Christian.
- Fantaine,K.R.&Jones,L.C.(1997).Self-steem and optimism,and postpartum depression.*Journal of Clinical Psychology*,39,3,511-521.
- Hasan, N.& power,T.G. (2000). Optimism and pessimism in children: a study of parenting correlates.*International Journal of Behavioral Development*,26,2,185-191.
- Hjelle,L.A.,Bush,E.A.&Waren,J.E.(1996).Explanatory style, dispositional optimism, and reported parental behavior.*Journal of Genetic Psychology*,157(4),489-99.
- Heinonen, K. (2004). Underpinnings of dispositional optimism and pessimism and associated constructs. Unpublished Academic desertation ,Helsinki University,Finland. Available <http://www.thesis.helsinki.fi/heinonen/underpin.pdf>.
- Lindsey, E(2001). Social determinats of young children optimism.University of Pennsylvania,Pensylvania.available at:<http://www.ppc.sas.Upenn-eda/institute2001longsummaries.htm>.
- Snyder,C.R.&Lopez,S.J.(2002).Hand book of positive psychology London, Oxford University press.

